



داوود خان

ژنرال داوود به کانون اصلی سیاست افغانستان تبدیل شد، هر چند در هیچ یک از مجامع بین‌المللی مطرح نشد.

این اصلاح‌طلبی را می‌توان با جستجوی هویت ملی افغانستان نیز مرتبط دانست. هویت ملی تنها از طریق تضاد با دیگران، یعنی از طریق تمایز یک ملت از سایر ملل یا اقوام، معنا می‌یابد. افغانستان به محض تشکیل، پاکستان را به عنوان «دیگری/ طرف مقابل» خود تعریف کرد و این هویت «دشمن» در طول زمان نیز تقویت شده و در اذهان عمومی افغانستان نفوذ کرده است.

افغان‌ها این «تضاد» را تنها به حوزه هویت‌سازی یا سیاست خارجی محدود نکردند، بلکه از همان روز نخست تشکیل پاکستان برای تجزیه پاکستان گام‌های عملی برداشتند و در نهایت پاکستان را مجبور به واکنش و دخالت در امور افغانستان کردند. در آستانه استقلال پاکستان، مقاومت مسلحانه علیه انگلیسی‌ها در وزیرستان به رهبری حاجی میرزاعلی خان وزیر جریان یافت. افغانستان و هند دست به دست هم دادند تا با تأمین تسلیحات از این مقاومت حمایت کنند و آن را علیه کشور تازه تأسیس بشورانند. افغانستان «فقیرایی» را تشویق کرد تا تشکیل پشتونستان را اعلام کند. ایپی بعدها ادعا کرد که وی توسط افغان‌ها درگیری با پاکستان فریب خورده و مقاومت مسلحانه را متوقف کرد.

پاکستان همچنین از سپتامبر ۱۹۵۰، زمانی که قبایل افغان و همچنین سربازان عادی افغان به پاکستان لشکرکشی کردند، با حملاتی با مقیاس کم از سوی افغانستان روبه‌رو شد. دولت پاکستان اعلام کرد که «متجاوزان افغان را پس از شش روز جنگ به آن سوی مرز برگردانده است.» افغانستان ادعا کرد که این حمله از سوی افراد قبایل پشتون که برای تشکیل پشتونستان مستقل تبلیغ می‌کنند، صورت گرفته است.

تشنه بین افغانستان و پاکستان در سال ۱۹۵۵ و زمانی که به طور قابل توجهی افزایش یافت که پاکستان اعلام کرد که کنترل بر مناطق قبیله‌ای را تحکیم می‌بخشد. در پاسخ به این اقدام، داوود خان در ۲۹ مارس ۱۹۵۵ سخنرانی آتشینی در رادیو کابل ایراد کرد. تظاهراتی که ظاهراً از سخنان دولت افغانستان الهام گرفته شده بود، در کابل، قندهار و جلال‌آباد شعله‌ور شد. پرچم پاکستان پایین کشیده شد و مورد توهین قرار گرفت و پرچم پشتونستان روی سفارت پاکستان در کابل به اهتزاز درآمد. این حادثه باعث شد تا دو کشور سفرای خود را فرخوانده و